

جایگاه
مراجع شبه قضایی
در نظام حقوقی ایران

www.ketab.ir

دکتر رحیم باقری زیاری

سرشناسه	:	باقری زیاری، رحیم، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	:	جایگاه مراجع شبه قضایی در نظام حقوقی ایران /تالیف رحیم باقری زیاری.
مشخصات نشر	:	تهران: دانشگاه غیر دولتی - غیر انتفاعی عدالت، انتشارات، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۶۲ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۴۲۰-۳۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۳۲۳-۳۲۶.
موضوع	:	نهادهای شبه قضایی — ایران
موضوع	:	Independent regulatory commissions -- Iran
رده بندی کنگره	:	۲۶۱۰ KMH
رده بندی دیویی	:	۵۵۰۹/۳۴۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۶۳۳۵۵۴

جایگاه مراجع شبه قضایی در نظام حقوقی ایران

دکتر رحیم باقری زیاری

چاپ: اول

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۲۰-۳۰-۹

قیمت: ۸۵۰,۰۰۰ ریال

انتشارات: دانشگاه غیردولتی غیر انتفاعی عدالت

همه ی حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است. تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله: فتوکپی،

الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» ایران قرار دارد

فهرست مطالب

۱۵	مقدمه
----	-------

فصل اول: مبانی نظری و جایگاه مراجع شبه قضایی در حقوق موضوعه ایران ... ۲۳

۲۵	مبحث اول: چیستی و ماهیت مراجع شبه قضایی
۲۵	گفتار اول: تعریف و چیستی مراجع شبه قضایی
۲۵	بند اول: واژه شناسی
۲۵	الف) کمیسیون
۲۵	ب) هیئت
۲۵	پ) شورا
۲۶	ت) کمیسیون‌های اداری
۲۶	بند دوم: تعریف مراجع شبه قضایی
۲۸	گفتار دوم: ماهیت مراجع شبه قضایی
۳۰	گفتار سوم: علل تشکیل مراجع شبه قضایی
۳۱	گفتار چهارم: انواع مراجع شبه قضائی
۳۸	مبحث دوم: اوصاف و گستره صلاحیت مراجع شبه قضایی
۳۸	گفتار اول: ویژگی‌های مراجع شبه قضایی
۳۸	بند اول. دادگاه هستند.
۳۹	بند دوم. دادگاه اداری هستند.
۳۹	بند سوم. دادگاه اختصاصی هستند.
۳۹	گفتار دوم: گستره صلاحیت و ویژگی‌های مراجع شبه قضایی
۳۹	بند اول: تأسیس و فعالیت به موجب قانونی خاص
۴۰	بند دوم: خارج از سازمان قضایی بودن
۴۱	بند سوم: وابستگی تشکیلاتی و سازمانی به دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های حرفه‌ای
۴۱	بند چهارم: رسیدگی به شکایات و دعاوی بین اشخاص خصوصی نهادهای عمومی
۴۲	بند پنجم: صلاحیت ترقاعی
۴۲	بند ششم: صلاحیت خاص
۴۳	بند هفتم: حمایت از منافع عمومی
۴۳	بند هشتم: آیین رسیدگی خاص
۴۴	مبحث سوم: تمیز مراجع شبه قضایی با محاکم دادگستری
۴۴	گفتار اول: اختلافات ماهوی

مقدمه

نیاز به یک دولت و حکومت مرکزی که ضامن آسایش و رفاه حال مردم باشد، با فراهم آمدن انسان‌ها در کنار یکدیگر، احساس می‌شد و به تدریج و با گسترش یکجانشینی و بوجود آمدن شهرها، این نیاز بیش از پیش نمود پیدا کرد. در ابتدا دولت‌ها تنها سعی در برطرف نمودن نیازهای اولیه مردم را داشتند ولی تغییر شرایط اقتصادی و طرح نظریه‌های جدید، گسترش فعالیت‌های بخش عمومی را ایجاب می‌کرد و سبب شد تا دولت‌ها به صورت یکی از ارکان اقتصادی و اجتماعی در جوامع مختلف، نقش ایفا کنند. به عبارت دیگر به‌طور کلی حدود وظایف و مسئولیت‌های دولت‌ها تغییر کرد. از جمله علل این تغییر می‌توان به توسعه صنعتی، ازدیاد جمعیت، شهرنشینی و احتیاجات دفاعی اشاره کرد. بر همین اساس، نیازهای متعدد اجتماعی مردم نیز با توسعه علم و صنعت رو به ازدیاد گذارد و دولت را موظف به برطرف کردن نیازها نمود. بنابراین در یک جامعه منظم و مدنی که بر محوریت قانون اداره می‌شود، باید زمینه‌ای فراهم نمود تا هر عمل و رفتار خلاف قانونی که سبب بی‌نظمی در جامعه می‌گردد، یا حتی از حقوق شهروندان و دولت را تضییع می‌نماید، از جانب مرجعی رسمی و قانونی مورد رسیدگی قرار گیرد، تا آرامش و امنیت بطور مستمر برقرار گردد و حقوق آحاد جامعه محفوظ بماند. در سایه این امنیت کلیه فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به سوی رشد و شکوفایی و کمال سوق داده می‌شود و افراد جامعه می‌توانند با نشاط و شادابی زندگی کنند و اختلافات و منازعات در زمینه‌های مختلف با سرعت و دقت و براساس قوانین و مقررات حل و فصل می‌گردد.

لازمه وجود نظم و قانون در جامعه و اجرای قانون و عدالت در میان شهروندان، حضور و ظهور تشکیلات و سازمانی به نام دولت را ضروری می‌نماید. در واقع بشر در تکاپوی تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی به پیشرفت‌هایی در عرصه علم و صنعت نائل گردید که تداوم زندگی جمعی، تأمین نتایج همگانی این پیشرفت‌ها را الزامی نموده است. این امر باعث گردید که دولت‌ها مسئولیت تأمین این نیازها و رفاه اجتماعی را عهده دار گردند. در غالب کشورهای تابع نظام حقوقی رومی ژرمنی مراجع قضایی عادی را با مراجع قضایی اداری تفکیک نموده اند و تشکیلات قضایی خود را بر دو بنا ساخته اند. در فرانسه دوگانگی نظام قضایی پذیرفته شده است جدایی صلاحیت و تشکیلات مراجع قضایی عادی از مراجع قضایی اداری در فرانسه از حیث گستردگی و حقوقی که برای هر یک به وجود آمده منحصر به فرد است، دیوان عالی کشور در راس مراجع قضایی عادی و شورای اداری در راس مراجع قضایی اداری قرار گرفته اند در صورت بروز اختلاف در

صلاحیت بین آن دو این دادگاه حل اختلاف است که نظر قاطع را اعلام می‌نماید. در سیستم قضایی آلمان نیز، شاهد پنج تشکیلات یا نظام قضایی هستیم که در راس هر یک، یک دیوان عالی فدرال قرار دارد. پنج نظام قضایی عبارتند از: ۱- نظام قضایی عادی ۲- نظام قضایی اداری ۳ نظام قضایی بودجه یا محاسبات ۴- نظام قضایی اجتماعی ۵- و نظام قضایی کار. دو مورد اول دارای صلاحیت عام هستند؛ به این معنا که در مسائل مدنی و کیفری نظام قضایی عادی و در مسائل اداری نظام قضایی اداری صلاحیت عام دارند مگر در مواردی که به طور قانونی استثنا شده باشد. در سه مورد دیگر مراجع مذکور تنها در مسائلی صلاحیت دارند که قانون تعیین نموده باشد. بر خلاف نظام قضایی فرانسه اینگونه نیست که برای رفع اختلاف در صلاحیت مراتب به مرجعی دیگر ارجاع شود بلکه هر مرجعی راجع به صلاحیت خود تصمیم قطعی غیرقابل اعتراض خواهد گرفت بنابراین سیستم قضایی آلمان، در خصوص مسائل اداری تکلیف را کاملاً روشن کرده است و با برقراری نظام ویژه محاکم قضایی عادی را در ورود به مسائل پیچیده آن آزاد نموده است. در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لو ترتیب دیگری حاکم است. عام بودن صلاحیت مرجع دادرسی اصل تلقی شده و از جدایی مراجع اداری از مراجع قضایی اجتناب شده است. کشور ژاپن که تبعیت از نظام حقوقی رومی ژرمنی را مدتها (از اواخر قرن ۱۹ تا پایان جنگ جهانی دوم سال ۱۹۴۵ م) تجربه کرده بود با تغییر سیاست قضایی در تبعیت از نظام حقوق آمریکا (از خانواده حقوقی کامن لو) تمامی مراجع اختصاصی را حذف کرد و تشکیلات قضایی خود را دارای صلاحیت عام نمود تا به این طریق هم به مسائل قضایی و هم به مسائل اداری یکجا و در یک دادگاه واحد رسیدگی کرده و از تشتت اجتناب گردد.

در کشور انگلستان پس از جنگ جهانی دوم، کمیته فرانکس^۱ به ریاست سرالبور فرانکس در جهت ادامه حیات دیوان اداری در انگلستان طی ۲۷ جلسه رسمی تاثیر بسزایی داشت که در گزارش خود که در بیش از ۱۱۰۰ صفحه مدون گردیده بود ۹۵ توصیه و راهکار را ارائه داد. در کشور انگلستان هیچ دادگاه عالی ویژه در اختلافاتی که یک طرف آن اداره باشد وجود ندارد. بنابراین تنها یک نظام قضایی در انگلیس شکل گرفته است حتی پیشنهاد ایجاد یک شعبه اداری در داخل دادگاههای عالی عدالت با مقاومت مواجه شد تا از به وجود آمدن یک حقوق اداری یا مرجع قضایی اداری خارج از تشکیلات قضایی عام، آنگونه که در اروپای غربی (خانواده حقوقی

^۱ Franks committee.

رومی-ژرمنی) دیده می‌شود، اجتناب گردد^۱. با این وجود از سال ۱۹۸۱ م یک لیست در دفتر سلطنتی وجود دارد، یعنی لیستی از دعاوی حقوق اداری که دادگاه عالی تنظیم کرده است اخذ تصمیم در این دادگاه بر عهده ۹ قاضی متخصص شعبه دادگاه ملکه است همچنین تخصص محدودی در داخل دادگاه استیناف پدید آمده است^۲.

از سال ۲۰۰۷ با تصویب "قانون دیوانها، دادگاهها و اجرای احکام" ساختار واحدی برای دیوانهای اداری برقرار شده است که به دو سطح تقسیم شده اند، "سطح یک" که به شکایات در تصمیمات و دستگاههای اداری رسیدگی می کند و به طور کلی دارای ۸ شعبه؛ حقوق اجتماعی، بهداشت، آموزش و مراقبت اجتماعی، مستمری رزمندگان و جبران صدمات نیروهای مسلح، مالیات، مقررات گذاری عام، مهاجرت و پناهندگی، اموال می باشد و "سطح دو" یا "دیوان عالی"؛ که دارای چهار شعبه رسیدگی به شکایات اداری، مالیات و مالیه، اراضی، مهاجرت و پناهندگی می باشد و صلاحیت رسیدگی به شکایات از آراء شعب مختلف سطح یک، رسیدگی بدوی به برخی از موضوعاتی که در صلاحیت دیوان سطح یک نیست، رسیدگی به برخی از موارد شکایات از ادارات دولتی که قبلها در صلاحیت دادگاهها بوده است و نظارت بر اجرای آرای صادره از سوی شعب مختلف دیوان سطح یک، را بر عهده دارد. رئیس کل دیوان با پیشنهاد لرد چانسلر و توسط ملکه تعیین و نصب می گردد. شورای دیوان و دادگستری اداری که یک نهاد مستقل است از ۱۰ تا ۱۵ عضو انتصابی و کمیسیونر پارلمانی که توسط لرد انتخاب می شوند و وظیفه نظارت و ارائه گزارش در مورد عملکرد دیوان اداری، بررسی قوانین و لوایح مربوط به دیوان و انتشار گزارش سالانه در خصوص نحوه عملکرد آنها را بر عهده دارد^۳.

در ایران، پس از انقلاب شکوهمند اسلامی نیز با بار نمودن وظایف بسیار بر عهده دولت در قانون اساسی این روند ادامه یافت. نهادهای عمومی دولتی و عمومی غیر دولتی در انجام فعالیت خاص خود و اجرای قوانین مربوطه، دست به فعالیتهای و اقداماتی زده و تصمیماتی اتخاذ می نمودند که

^۱ Allan, Michael and Thompson, Brian; Cases and Materials on Constitutional and Administrative Law; 8th ed, Oxford: oup, 2005, p.161.

^۲ برای آگاهی بیشتر ر.ک. به: خسروی، احمد؛ رستمی، ولی؛ الگوی مناسب برای تدوین قانون آیین دادرسی اداری در ایران و ضرورت آن، نظام فرانسوی یا انگلیسی؟، پژوهشهای حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۰۰.

^۳ عبداللهیان، امید؛ رفیعی، محمدرضا؛ راهکارهای ارتقای رسیدگی عادلانه در مراجع اختصاصی غیرقضایی، نشر مرکز مطبوعاتی قوه قضائیه، ۱۳۹۷، صص ۲۷ و ۲۶.

ممکن بود با حقوق و منافع اشخاص خصوصی نیز در تزامن قرار گیرد؛ سال‌ها بعد با شکل‌گیری مؤسسات خصوصی، انجام وظایف و تکلیف این نهادها، اختلالاتی را در خدمات و منافع عمومی ایجاد کرد. طبیعی است که در این موارد نیاز به مراجعی است تا بتواند به این اختلافات رسیدگی و آنها را حل و فصل نماید. از سوی دیگر امروزه با توجه به کثرت قوانین، مقررات و قواعد حقوقی و متنوع بودن دعاوی و وسعت موضوعات و تنوع در دعاوی از یک سو و از سوی دیگر کثرت قوانین و مقررات و نیز لزوم رسیدگی به موضوعات مختلف و همچنین کثرت تعداد پرونده‌های در دست بررسی سبب ایجاد مراجعی به نام مراجع شبه قضایی (مراجع اختصاصی غیرقضائی) شده است. در واقع این مراجع جهت تسریع در روند بررسی موضوع، رسیدگی تخصصی و کوتاه و نیز در مواردی عدم رعایت تشریفات رسیدگی تشکیل شده است. این نوع مراجع بر خلاف مراجع قضایی صلاحیت عام نداشته و عام‌الشمول نیستند و تنها در حدود مسائلی که قانون مشخص کرده صلاحیت رسیدگی و بررسی دارد. در تفکیک مراجع قضایی از مراجع شبه قضایی ناگزیر باید ماده ۱۰ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹ را بررسی نمود. این ماده اعلام می‌دارد که «رسیدگی نخستین به دعاوی حسب مورد در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد». از ظاهر ماده مذکور اینطور برمی‌آید که صلاحیت ذاتی و رسیدگی نخستین به دعاوی و امور حقوقی، اصولاً و حسب مورد در صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی و انقلاب است مگر این که قانون به طور استثنائی مرجع دیگری را جهت رسیدگی به دعاوی به نحو ذاتی تعیین کند. البته باید گفت موضوع نزاع که موجب ارائه تفاسیر مختلف از ماده ۱۰ ق.آ.د.م شده نظرات مختلفی را تولید کرده است. برخی معتقدند منظور از مرجع دیگری در ماده، کلیه مراجعی است که در قوانین مختلف برای رسیدگی به دعاوی پیش‌بینی شده‌اند اعم از این که این مرجع از مراجع قضایی باشد یا از مراجع اختصاصی غیر قضایی یعنی «شبه قضایی» باشد؛ در مقابل عده‌ای بر این عقیده‌اند که منظور از مرجع دیگر در ماده ۱۰ ق.آ.د.م صرفاً مراجع قضایی غیر از دادگاه‌های عمومی و انقلاب است و لذا شامل مراجع شبه قضایی نمی‌شود. به این ترتیب دادگاه‌های عمومی و انقلاب به دلیل صلاحیت عامی که دارند صلاحیت رسیدگی به آن دسته از دعاوی که در صلاحیت مراجع شبه قضایی است را نیز دارند. اما در رابطه با اینکه واقعیت این امر را چگونه باید تفسیر کرد، قبل از هرچیز باید گفت که عمل شبه قضایی یک عمل شبهه اعمال قضایی است که توسط نهادهای غیر قضایی انجام می‌شود. اما در ماهیت یک امر قضایی است و مشابه همان اعمالی است که مراجع قضائی (دادگستری) انجام می‌دهد. در واقع این اعمال توسط مراجع قضائی انجام نمی‌شود؛ لذا این اعمال ذاتاً قضائی نیست ثانیاً این اعمال همان آثار

اعمال قضائی را دارد و به مانند اعمال و احکام قضایی برای اشخاص ایجاد حق و تکلیف می‌کند و لازم الاجراست و ضمانت اجرای قانونی دارد و از این نظر شبه قضائی نامیده می‌شود. بر همین اساس، قانونگذار جهت رسیدن به اهداف مشخصی، نهادهایی تحت عنوان نهاد شبه قضایی به وجود آورده است، که این نهادها یا مراجع، پس از رسیدگی به اختلافات موجود، صلاحیت صدور رأی در محدوده تعیین شده توسط قانون را دارند. آراء نهادهای شبه قضایی نیز همچون آراء نهادهای قضایی پس از قطعیت، باید اجرا گردند؛ اما نکته قابل تأمل در مرحله اجرا، فقدان یا نقص قانونی در برخی از این نهادها می‌باشد. با این وجود با توجه به تاکید "اصل ۳۴" ق.ا مبنی بر حق مسلم بر دادخواهی افراد و حق دسترسی به دادگاههای صالحه و حق مراجعه مردم به آنها و اصل ۳۶ آن، مبنی بر آنکه حکم به مجازات و اجرای آن باید از طریق دادگاههای صالحه که بموجب قانون است و اصل ۶۱ و ۱۵۹ قانون اساسی نیز که دال بر وجود دادگاههای دادگستری که زیر نظر قوه قضائیه هستند می‌باشد، آیا اینک این دادگاه ها می توانند مراجع اختصاصی غیرقضائی را نیز شامل شود و آیا این دادگاه های اداری و مراجع شبه قضایی موضوعیتی در قانون اساسی دارند؟ پاسخ آن است که بموجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تاسیس شده است و در جهت اجرای این اصل به موجب بند ب ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آئین دادرسی آن مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۲ رسیدگی به شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیئتهای رسیدگی کننده به تخلفات اداری و کمیسیونها و همچنین بموجب ماده ۴۸، دیوان چنانچه موضوعی را در صلاحیت مراجع غیرقضایی بودند قرار عدم صلاحیت به صلاحیت مراجع اختصاصی غیرقضائی صادر و از خود نفی صلاحیت می نماید که بدین ترتیب این قاعده مهمترین مستند برای صلاحیت مراجع شبه قضایی و اعتبار تصمیمات آنها است. گرچه شورای نگهبان در ۱۳۶۶/۰۹/۲۶ در مورد مرجع تظلمات بر اساس و استناد به اصل ۱۵۹ قانون اساسی، دادگستری را محور رسیدگی ها قرار داده است اما در نهایت در ۱۳۶۷/۰۶/۲۹ به دلیل آنکه تصمیمات و آراء این مراجع شبه قضایی را قابل اعتراض و رسیدگی در مراجع قضایی دادگستری تلقی کرده است بدین سبب بنحوی برای آراء این مراجع اعتبار قائل شده است.

باید توجه نمود که نبود مراجع شبه قضایی (مراجع اختصاصی غیرقضائی) ممکن است زمینه‌های تعطیل و تزاحم در امور حیاتی اداری و اجرایی کشور را با ارجاع کلیه صلاحیتهای شبه قضایی به مراجع قضایی فراهم سازد. در صورتی که ماهیت و جایگاه واقعی این نوع مراجع نمایان شوند و بر همان مبنا صلاحیت و اختیاراتشان تنظیم شود، گره گشای بسیاری از معضلات اداری و قضایی کشور خواهد بود و در مقابل عدم تبیین ماهیت این نوع مراجع و قضاوت شتابزده در خصوص آنها،

نه تنها مشکلات قوه قضائیه را کاهش نخواهد داد، بلکه زمینه انباشتگی دعاوی و شکایات را در دادگاههای دادگستری و اشتغال مراجع قضایی را به موضوعات پراکنده و فراوان موجب می‌شود. در خصوص این مراجع باید گفت که علاوه بر مراجع شبه قضایی اداری که خارج از تشکیلات قوه قضائیه می‌باشند، مراجع شبه قضایی و غیر قضایی دیگر نیز وجود دارند که داخل در سازمان قضایی کشور و زیر نظر قوه قضائیه هستند که البته برخی از آنها اگر چه از لحاظ ساختاری تحت شمول قوه قضائیه قرار دارند اما به سازمان‌های اداری و اجرایی دستگاه متبوع خود وابسته هستند و برخی دیگر نیز مستقیماً تحت نظارت قوه قضائیه قرار دارند. لذا تبیین ماهیت و جایگاه این مراجع و نیز تعیین مصادیق مراجع مذکور امری ضروری است. همچنین از سوی دیگر با توجه به خصوصیت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد ماهوی و شکلی مراجع شبه قضایی حقوقی از جمله صلاحیت‌های مراجع مذکور و نیز اصول و آیین دادرسی حاکم بر مراجع مذکور که این مراجع را از مراجع قضایی متمایز می‌نماید، تبیین این ویژگی‌ها و نیز بررسی نسبت آنها با مراجع قضایی مهم و ضروری می‌نماید.

با توجه به حجم بالای پرونده‌های در دست بررسی در قوه قضائیه، به جهت تسریع در کارها، رعایت تخصصی بودن موضوعات، جلوگیری از اطاله دادرسی و به منظور عدم رعایت تشریفات در برخی موارد، اهمیت و ضرورت مطالعه در خصوص مراجع شبه قضایی بیش از پیش مشخص می‌گردد چرا که مراجع شبه قضایی بر خلاف مراجع عمومی، صلاحیت رسیدگی به تمام موضوعات را نداشته و تنها در حدود مسائلی که قانون مشخص کرده صلاحیت دارند. مراجع شبه قضایی ماهیتی متمایز از مراجع قضایی دارند که این امر به فلسفه وجودی این نوع مراجع مربوط می‌شود. لذا اهمیت مطالعه در این خصوص، از آنجا ناشی می‌شود که این نهادها در انجام فعالیت‌های خود و اجرای قوانین مربوطه دست به اقداماتی زده و تصمیماتی اتخاذ می‌نمایند که ممکن است با حقوق و منافع اشخاص خصوصی در تزامن قرار گیرند. همچنین ممکن است اشخاص خصوصی در انجام وظایف و تکالیف نهادهای دولتی و نیز منافع عمومی اختلال ایجاد کنند. از سوی دیگر عواملی از قبیل تفاوت دعاوی مراجع شبه قضایی از مراجع قضایی، اصل تخصص در مراجع شبه قضایی، قضا‌زدایی و نیز رسیدگی سریع و در مواردی رسیدگی بدون تشریفات را می‌توان از ضرورت‌های دیگر این موضوع ذکر کرد. بنابراین تبیین ماهیت و جایگاه مراجع حقوقی شبه قضایی در نظام حقوقی ایران از آنجا حائز اهمیت است که به دلیل ماهیت و صلاحیت خاص آنها تأسیس حقوقی ویژه‌ای در کنار قوه قضائیه به عنوان مرجع اصلی قضایی محسوب می‌شوند. انواع مراجع شبه قضایی، شناخت ماهیت آرای صادره و مرجع اجرای احکام مراجع مذکور، جلوگیری از عدم

تداخل کاروبره این مراجع با نهادهای قضایی و حدود صلاحیت آنها از اهم مباحثی است که پژوهش پیش رو در صدد پرداختن به آنها خواهد بود. شناسایی مراجع اختصاصی غیرقضائی (شبه قضایی) و تلاش در خصوص خلأهای قانونی و همچنین مقایسه شیوه اجرایی دو نهاد قضائی و شبه قضائی از دیگر اهداف این تحقیق و تتبع می باشد.

اثر پیش رو که شامل بخش های عمده ای از رساله علمی اینجانب در دوره دکتری که تحت نظر و راهنمایی استاد ارجمندم جناب آقای دکتر عباس حق پناهان در دانشگاه جامع عدالت به پایان رسیده است، به احتمال فایده مندی آن برای اهل فن و فضل، گردآوری شده و به تفصیل به معرفی موقعیت و جایگاه این مراجع در ساختار نظام حقوقی ایران پرداخته است و حدود قابلیت ها و شیوه های اقدام آنها نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در اینجا لازم است تا از گروه داوران فرهیخته رساله علمی خود، استاد مکرم جناب آقای دکتر محمد آشوری و نیز دوست عزیزم جناب حجت الاسلام آقای دکتر محمدحسین بیانی ریاست محترم دانشگاه عدالت هم که توصیه به چاپ و نشر این اثر پس از تصحیح و اصلاحات آن داشته اند، مراتب سپاس خود را ابراز نمایم.

در خاتمه باید افزود که این اثر به دور از کاستی ها و نقصان نیست بنابراین از طرح نقطه نظرات افاضل و متذکر شدن کاستی ها به آدرس، Rahimbagheri1@gmail.com استقبال و قدردانی می گردد.

لازم است از مدیر محترم بخش انتشارت وزین دانشگاه عدالت جناب آقای حبیبی و همکارانشان که در نشر این کتاب، سعی بلیغ نمودند، مراتب سپاس خود را تقدیم کنم.

و من الله التوفیق

الاحقر-رحیم باقری زیاری

۱۷ ربیع الاول ۱۴۴۳

برابر با (پاییز ۱۴۰۰ خورشیدی)